

دوراندیشی - صفحه ۶۴

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

@farsitadris

#تاریخ_ادبیات:

مخزن الاسرار: صفحه ۱۵۷ کتاب درسی

#معنای_لغات:

دوراندیشی: آینده نگری / جمله: گروه / آزادگان: جمع آزاده، اصیل، نجیب / برون: مخفف بیرون / همزادگان: جمع همزاد، هم سن و سالان، دوستان، رفیقان / پای چو در راه... ← چو: وقتی که / نهاد: گذاشت / پویه: با شتاب رفتن، دویدن / درآمد به سر: با سر به زمین خورد / درآمد ز دست: آسیب جدی دید / مهر: محبت، علاقه / مهری پُشت: ستون فقرات / همسال: همسن، دوست / حادثه: اتفاق، واقعه / و را: او را / بن چاه: ته چاه، ته، عمق / بیاید نهفت: باید پنهان کرد / راز: سر / شرمسار: شرمنده، خجالت زده / عاقبت اندیش: دوراندیش، آینده نگر / همانا: قطعاً / همراهان: (مخفف همراهان) همراهان، دوستان / صورت این حال: شکل واقعی این اتفاق، حقیقت ماجرا / پنهان: مخفی، پنهان / زین همه: از بین اینها / دشمن نهند: دشمن حساب می کنند، به شمار می آورند / تهمت: افتراء، گمان بد، نسبت ناروا به کسی دادن / واقعه: رویداد، حادثه، اتفاق / بر من نهند: قرار می دهند / زی: سو، سمت، طرف / جوهر: اصل / جوهر دانایی: اصل آگاهی و هوشیاری / غم جان: مایه ی غم و اندوه

#معنای_شعر:

بیت اول: کودکی از خانواده ای با اصل و نسب، با دو سه نفر از دوستانش برای گردش و بازی بیرون رفت.**بیت دوم:** زمانی که آن کودک پای در راه گذاشت؛ با سرعت دوید و با سر زمین خورد.**بیت سوم:** به خاطر عجله ای که کرد، پایش آسیب جدی دید و مهری کمرش هم شکست به گونه ای که فکر کردند مرده است.**بیت چهارم:** دوستانش به خاطر مصیبتی که برای او پیش آمد، به شدت ناراحت و اندوهگین شدند.**بیت پنجم و ششم:** در بین همراهانش، کسی که بهترین دوست او بود، گفت: «باید او را در ته چاهی پنهان کنیم تا این راز مانند روز، بر همگان آشکار نشود و ما نیز از پدر او شرمنده نشویم.»**بیت هفتم:** در بین آنها همان کسی که به دشمنی (با فرد زخمی) معروف بود، آینده نگر و زیرک تر بود.**بیت هشتم:** گفت: قطعاً این حادثه و اتفاق در بین این دوستان و همراهان مخفی نمی ماند و روزی آشکار می شود.**بیت نهم:** از آنجا که از بین این همراهان، مرا نسبت به او بدخواه می دانند، در مورد این حادثه به من بدگمان می شوند و دست آخر من مجرم خواهم شد.**بیت دهم:** به سوی پدر دوست زخمی اش رفت و او را از حادثه، باخبر کرد تا اینکه به پدرش برای آن کار چاره ای بیندیشد.**بیت یازدهم:** کسی که در وجود او فهم و دانایی باشد، نسبت به انجام هر کاری توانمند است. (از پس هر کاری برمی آید)**بیت دوازدهم:** بدخواه و دشمن دانایی که مایه ی اندوه و غم انسان باشد، از دوست نادان بهتر است.

#آرایه ها:

بیت دوم ← پسر و سر: جناس ناقص افزایشی / پای در راه نهاد: کنایه از شروع به حرکت کرد / در و سر: جناس ناقص اختلافی / بیت سوم ← مهر و مهره: جناس ناقص افزایشی / مهر دلش شکست: کنایه از اینکه مُرد / بیت چهارم ← تنگ شدن نفس: کنایه از شدت اندوه و ناراحتی / حال و سال: جناس ناقص اختلافی / بیت ششم ← واج آرایی «ر» / راز و روز: جناس ناقص اختلافی / راز چو روز: تشبیه / بیت نهم ← نهند: جناس تام / بیت یازدهم ← هر و در و بر: جناس ناقص اختلافی / بیت دوازدهم: ضرب المثل است / واج آرایی «ن» / دوست و دشمن: تضاد / دانا و نادان: تضاد / جان و آن: جناس ناقص افزایشی

#نکات_دستوری:

کودکی = یک کودک ← ی: نکره / و را دوست ترین = دوست ترین او ← را: فک اضافه / در بن چاهیش بیاید نهفت = باید او را در بن چاهی نهفت ← ش: مفعول / هرکه در او جوهر دانایی است ← است = وجود دارد ← است: غیراسنادی / بر همه چیزیش توانایی است = او بر همه چیز توانایی دارد ← ش: نهاد / بهتر (است) از آن دوست... : حذف معنوی فعل است

#قالب_شعر: مثنوی